



## سوره مبارکه نور

جلسه دوم: ۹۲/۹/۱۶

- این سوره در حوزه دوره چهارم رشد است.

- بحث طیب و طیب سازی و ایجاد طهارت در جامعه در این سوره بسیار مهم است.

محورهای طیبات:

- محور اول: بستر طیب چهار محور دارد:

۱- شهر و اقلیم

۲- روابط با محور خانواده

۳- جسم با محور سلامت

۴- روان با محور سلامت و امنیت

- محور دوم: راجع به افراد است که «کلمه طیب» مطرح می شود.

- کلمه طیب همان باورهای زیبا هستند. باورهای زیبا سه دسته اند:

۱- باورهایی که «اصل» هستند. (باور به قیامت و جزا)

۲- باورهایی که «فرع» هستند. (ولایت / اعتقاد به رسالت و امامت)

۳- باورهایی که «ثمرات» هستند. (توحیدی)

- محور سوم: بروزها: قول طیب. بروز باورها به طیبات تبدیل می شود. صفاتی مانند: احسان / اکرام / انعام / شجاعت / جوانمردی و ...

به وجود می آید که به آن «قول طیب» گویند.

- محور چهارم: رزق طیب: حیات مادی و معنوی است.

- محور پنجم: حیات طیب: امن از ظلم و خالی از شرک. دو دسته آخرتی و دنیایی است. علم و قدرت / سلام

- دین برای ما برنامه ای ریخته است که همه این ۵ محور تأمین شود یعنی از دنیا تا آخرت او را راهنمایی کند.

- دانستن این فضا به ما کمک می کند که وقتی با موضوعی وارد سوره می شویم، بقیه موضوعات پس زمینه را نیز ببینیم. یعنی مثلاً اگر

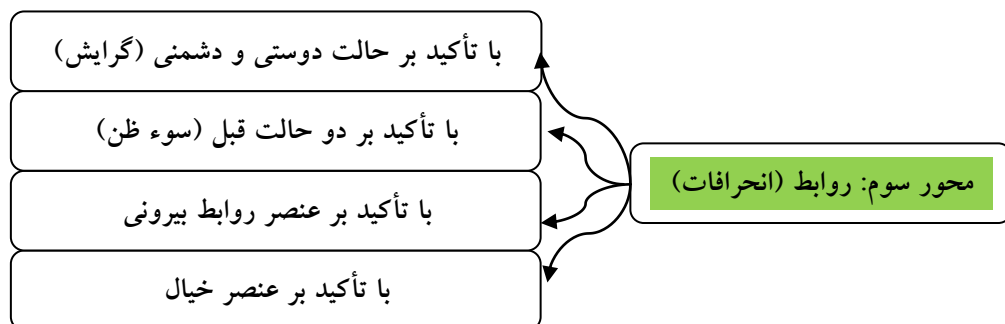
روابط انسانها (محور اول) خبیث شده است و در آیه دو می فرماید: «نَبَايِدُ فِي دِينِ رَأْفَتِهِ بِمَا رَأْفَتُ فِي

دِينِ اللَّهِ) فردی که آیه را می خواند باید بقیه موارد را نیز مد نظر داشته باشد و بداند این همان دینی است که حیات طیب، باورهای

زیبا، رزق طیب و ... را تعریف کرده است. بنابراین هنگام خواندن سوره حتماً باید پس زمینه ها هم دیده شوند.

- در این سوره از محور سوم شروع کرده و بقیه محورها را از این محور دیده است.

- در سوره روابط مورد بررسی قرار گرفته است منظور از روابط در اینجا یعنی بروزات و کنش و واکنش‌ها. انحرافات که در روابط ایجاد می‌شود را دسته‌بندی کرده است:



- روابط در بیرون اتفاق می‌افتد و ما احتیاج به طهارت داریم، تا محورهای دیگر بتواند در ما ایجاد شود.

- اولین مرحله طهارت، از «خیال» است.

- اگر کسی نتواند خیال خود را کنترل کند کم‌کم تبدیل به بغض درونی شده و کینه به وجود می‌آید.

- موضوع سوره نور نیز «طهارت خیال» است.

- آسیب‌هایی برای جامعه اتفاق می‌افتد. یک راه این است که ما با دیدن آنها وای وای کنیم و راه دیگر این است که از همین مدل

منفی مسیر طهارتی پیدا کنیم و خودمان را اصلاح کنیم. با اصلاح ما خانواده‌هایمان اصلاح می‌شوند و با اصلاح خانواده‌ها به طور

طبیعی طهارت به جامعه سوق داده می‌شود.

- جامعه از مسیر طهارت ما پاک می‌شود.

- اگر کسی صفت کمالی‌ای را در درون خودش نداشته و یا کم داشته باشد چگونه می‌تواند دیگران را امر به آن صفت کمالی کند؟

- بسیار باید مراقب اصلاح خودمان باشیم.

- **توجه:** مشکل انحرافات در روابط صرفاً «جنسی» نیست. بلکه در زمینه‌های مختلف مانند: روابط سیاسی و غیره نیز وضعیت به همین

ترتیب است. پس از بررسی درمی‌یابیم، سخنانی که در زندگی روزمره می‌شنویم در یکی از چهار مورد بالا جای می‌گیرد. مثلاً از نوع

«سوءظن» است و یا بر اساس «دوستی و دشمنی» است و ... البته انحرافات در روابط جنسی برای افراد قابل درک‌تر است و براتشان

از گناه جنسی، بیشتر است تا موارد دیگری مانند مسائل سیاسی.

#### - نکته حاشیه‌ای:

✓ گزاره‌های قرآن نوعاً گزاره‌هایی بدیهی هستند و اگر انسان به این گزاره‌های بدیهی عمل کند، گزاره‌های سطح دو نیز برایش

واضح می‌شود.

✓ در واقع راهکار اصلاح توجه به گزاره‌های بدیهی است. اما متأسفانه اکثر افراد به خاطر بداعت گزاره‌های بدیهی آنها را کنار

می‌زنند.

- آیه ۱۱: سؤال مهم: چرا «افک» می تواند خیر باشد؟ جامعه دینی با دشمنان زیادی مواجه است. اولین دشمن آن جامعه خود شیطان است. گاهی شیطان با دشمنان خارجی همراستا می شود. خیلی از مشکلات در جامعه اسلامی واقعاً به شیطان برمی گردد. این مسئله باعث می شود که هر مقدار قوت جامعه اسلامی بیشتر شود دشمنی شیطان نیز بیشتر شود. تا جایی که حتی می توان از میزان دشمنی - های شیطان میزان پیشرفت یک جامعه را حدس زد. به عبارتی دیگر دشمن متناسب با تعالی یک جامعه دشمنی خودش را ابراز می - کند. حال می توان از دشمنی شیطان مانند یک واکنس استفاده کرد. به این معنا که دشمنی شیطان را در نظر گرفت و سپس جامعه را

مقاوم کرد و معارف خاصی در اختیار جامعه قرار داد که تا قبل از آن نمی شد. اگر انسان حربه های دشمن را بتواند خوب تشخیص بدهد آن حربه ها می تواند آن جامعه را قوی تر کند. در واقع اساس تکاملات بشر بر اساس چنین تضادی اتفاق می افتد. به عبارتی اگر دشمنی شیطان برداشته شود جلوی آن تحولات و تکاملات گرفته می شود. مانند این است که نردبان بالا رفتن را از آن جامعه گرفته باشند. زیرا بر اساس هر دشمنی ای باید به افراد باورهای جدیدی داده شود. لذا معضلاتی که در جامعه از طریق دشمن خارجی و شیطان وارد می شود برای جامعه «خیر» است و افراد جامعه باید فکر خود را برای مقابله با آن معضلات به کار اندازند.

- اگر با هر فتنه ای خوب مقابله شود، آن فتنه برای جامعه خیر است، زیرا سطح دانش و بینش جامعه را بالا می برد. دانستن این مسئله به ما امید می دهد تا زمانی که با مصائب و مشکلات در جامعه مواجه می شویم حس تو خالی بودن به ما دست ندهد.

- عُصْبَةُ: یعنی شیطان و دشمنان خارجی برای مقابله با جامعه اسلامی مانند «عَصَب» عمل می کنند یعنی به صورت شبکه وارد می - شوند.

- قاعده کلی: انسان به اندازه عدم طهارتش ابزار و آلت دست شیطان است. یعنی انسان ها به اندازه عدم طهارتشان در سیستم افک نقش بازی می کنند.

- انسان تا به طهارت مطلق نرسد از شیطان در امان نیست.

- باید «مسلمان» بود یعنی سلیم داشت. سلیم به معنای آسیب نداشتن، امنیت داشتن و سوراخ نداشتن است.

- آیه ۱۲: اگر کسی هر بهتانی بزند، «بهتانی آشکار» است به این معنا که او منتقل کننده این بهتان است. به عبارت واضح تر او بلندگوی شیطان است.

- آیه ۱۳: خدا در این آیه می فرماید: «اگر آنها راست می گویند باید چهار شاهد بیاورند وگرنه دروغ می گویند».

- اگر در جامعه فرهنگ شود که هر نسبت نادرستی که افراد شنیدند، آن را بگویند، «این همان افک است». مبارزه با این مسئله مبارزه با رواج شایعات و تهمت هاست.

## زنگ دوم:

این زنگ بیشتر به سئوالات خارج از بحث کلاس پرداخته شد که ماحصل پاسخ به سئوالات موارد زیر است:

- طبق آیات قرآن هدایت باید از درون انسان بجوشد و اگر از درون نجوشد با اجبار، اکراه، انتساب، غضب و ... هدایت به وجود

نمی آید. (انتساب یعنی فردی چون نسبش مؤمن است او هم مؤمن باشد)

- این مطلبی است که قرآن آن را القاء کرده است. در قرآن مثال‌های زیادی زده شده است تحت این عنوان که «افرادی تحت بیرق دین بودند و انحراف پیدا کردند» و برعکس کسانی که منحرف بودند اما نجات پیدا کردند. این نشان می‌دهد که انسان قدرتی ماورایی دارد که از محیط تأثیر می‌گیرد، البته محیط نمی‌تواند بر انسان حکم انجام دهد. انسان می‌تواند بر موانعی که بر مسیر هدایتش است غلبه کند و همان‌طور هم اگر محیط پر از لوازم هدایت باشد، اما تا انسان‌ها نخواهند، هدایتی صورت نمی‌گیرد. مثال‌هایی که قرآن می‌زند مانند جریان پسر نوح، همه دلالت بر این مسئله دارند. خدا می‌خواهد نشان دهد که «نَسَب» و «حَسَب» عامل هدایت نیستند و فقط اقتضای هدایت را ایجاد می‌کنند. سبب هدایت با «تفکر و تعقل درونی» باید به جوش آید.

- مسئولیت هدایت دیگران به این معنا که اندازشان دهیم بر ماست نه به این معنا که با اجبار و اکراه و ادارشان به هدایت کنیم.

- **توجه:** بنا بر نظر امام خمینی (ره) ولیّ فقیه «در مقام حکم»، در حکم رسول خداست.

- اگر فردی ولیّ باشد، طبق حکم خدا می‌تواند او را به خاطر هدایت نشدنش، تنبیه کند.

- چند گزاره مهم به عنوان مقدمه: به گزاره‌های زیر توجه کنید:

۱- هر انسانی لازم است تابع حکم خداوند باشد و همه رفتارها، افکار، بروزات و صفاتش باید حکمی از حکم خدا داشته باشد.

۲- خداوند به وسیله رسولاتش این حکم را در اختیار انسان‌ها قرار داده است. و برای هر چیزی حکم وجود دارد.

۳- هر انسانی برای به دست آوردن حکم باید «رسول» را ببیند و یا «رسول رسول» را و یا «رسول رسول رسول» و ...

۴- «رسول» نازل‌کننده حکم است و بعد از آن «رسول رسول».

- حال با دانستن گزاره‌های بالا، شهری را در نظر بگیرید که حدود ده هزار نفر جمعیت دارد. در آن شهر «دین» نیز وجود دارد اما در حد بسیار ساده مانند خواندن نماز و گرفتن روزه. این دین را یک ملأ برای آن شهر آورده است. در آن شهر غیر از این ملأ فرد دیگری برای بیان دین وجود ندارد و برای افراد نیز امکان شهر رفتن نیست. در آن شهر افراد برای به دست آوردن حکم یا باید سرخود عمل کنند که عقل چنین حکم نمی‌کند و یا باید از فردی که در آن شهر نسبت به بقیه بالاتر است تبعیت کنند. اگر در آن جامعه همه از آن ملأ تبعیت کنند همه آن جامعه یک دست و واحد خواهند شد و بالا خواهند رفت.

- در مناسبت‌های جامعه اسلامی که شهر بسیار بزرگ شده است وضعیت مانند همان شهر کوچک است. در جامعه اسلامی عده‌ای وجود دارند که به نظام فقهت وصل هستند و مزین به اخلاق اسلامی و خارج از هوای نفس‌اند. باید طبق مکانیسمی از بین این افراد یک نفر انتخاب شود و حتماً باید فقط یک نفر انتخاب شود تا تشتت آراء به وجود نیاید، یعنی در نظام دینی یک نفر باید با یک نظام فقهت حکم خدا را منتقل کند. این مدل سبک شیعه در اداره کشور است. در غیر این صورت جامعه به دست طاغوت و یا استکبار خواهد افتاد.

- گاهی جامعه حاضر است خودش را دست طاغوت بیندازد اما از فقیه تبعیت نکند. چنین جامعه‌ای چون نمی‌تواند نمره ۲۰ بگیرد حاضر می‌شود، نمره صفر بگیرد ولی حاضر نیست نمره ۱۵ بگیرد.

- **توجه:** عقل حکم می‌کند انسان حتی بین بد و بدتر، بد را انتخاب کند. نه اینکه چون نمی‌خواهد بد را انتخاب کند به بدترین راضی

شود.

- باید سیستمی را طراحی شود تا در جامعه اسلامی رأس هرم به بهترین وجه انتخاب گردد تا کمترین خطا را داشته باشد. در ضمن سیستمی هم وجود داشته باشد که بیشترین نظارت را بر رأس هرم داشته باشد تا رأس از مسیر حق عدول نکند. اینها «نظام‌سازی» نامیده می‌شود.

- **توجه:** اگر نظام‌سازی طبق نشر قرآن صورت گیرد، جامعه به سمت دموکراسی پیش نخواهد رفت، بلکه به سمت ولایت‌مداری بیشتر پیش خواهد رفت.

ادامه آیات سوره مبارکه نور:

آیات ۱۴ و ۱۵: کارهای بسیاری در زندگی انجام می‌دهیم و فکر می‌کنیم که بد و نبودشان فرقی نمی‌کند در حالی که این کارها نزد خدا عظیم است. فکر می‌کنیم حرفی زده شد و خیلی هم مهم نیست. در حالی که هر حرف مانند تیری است که وقتی از کمان خارج می‌شود، ممکن است در «چشم و قلب» کسی بخورد.

- اگر به شایعات و شبهاتی که در جامعه منتقل می‌شود توجه کنیم، می‌فهمیم که گاهی خودمان نیز پراکنده کننده این شبهات هستیم. مثلاً از طریق پیامک، ایمیل و ... ایمیل‌ها مانند قطراتی هستند که جمع می‌شوند و گاهی تبدیل به سیل می‌شوند. در اثر این ایمیل‌ها و سخنان نسنجیده کسی یا کسانی بی‌حیثیت می‌شوند. حال چگونه می‌شود حیثیت از دست رفته کسی را که هیچ نقشی در ماجرا نداشته، برگردانیم؟؟

- آیه ۱۹: این آیه نشان می‌دهد که حتی کسانی که خودشان اهل زشتی‌ها و بدی‌ها هستند می‌دانند که این زشتی‌ها «بد» است و مراحل تکاملی را از آنان می‌گیرد، به همین علت دوست دارند در «الذین آمنوا» فاحشه تشیع شود زیرا می‌دانند که فاحشه باعث فقر و کم‌کاری و رخوت می‌شود. اگر فاحشه باعث پولدار شدن می‌شد آنان به هیچ وجه آن را تشیع نمی‌کردند.

- آیه ۲۰: تکلیف جلسه آینده: علت چندین بار تکرار شدن آیه ۲۰ را استخراج کنید. «یَبِين» و «فَضْلُ اللَّهِ» در این آیات دائماً تکرار شده است ولی در آیات آخر حالت و فضای دیگری دارد.

انشاء الله خدا به ما توفیق نورانی شدن بدهد.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين